

"مردم ایران و آزمون تاریخی"

شرح آنچه در فاصله تبلیغات انتخابات دهمین دوره ی ریاست جمهوری و تقلب رسوای مثلث علی خامنه ای- فرماندهان پاسدار- احمدی نژاد ، بر مردم میهنمان گذشته است از یکطرف چنان دردناک و شرم آور است که مو را بر تن هر انسانی راست می کند چرا که ثابت می کند که از انقلاب ۵۷ تا کنون مردم شریف کشورمان چون "رمة" ای تلقی شده اند که حکام ستمگر اسلامی آنان را به هر سمتی که خواسته اند ، رانده اند ، بدون آنکه به اندازه ی سرسوزنی به خواست های برحق و انسانی شان توجه کنند! از طرف دیگر شور و شوق و پایداری که از زمان اعلام نتیجه ی انتخابات متقلبانہ ی رژیم اسلامی از مردم بروز کرده است ، انسان را چنان بر سر شوق می آورد که قابل توصیف نیست به گونه ای که ما ایرانیان دور از وطن را از اینکه نمی توانیم آنطور که شاید و باید در خدمت جنبش و خواسته های برحق شان باشیم ، شرمگین می کند . راستی را که حکام رژیم اسلامی در این سی سال جز تکلیف عبودیت و اطاعت کورکورانه و اعمال ستم و زورگوئی و غارت ثروت و منابع کشور و ... بر مردم روا نداشته اند ، بدون آنکه کمترین حقی برای آنان قائل باشند ، و حال که اکثریت مردم از این همه اهانت و ستمی که بر او رفته است ، بستوه آمده و با این حالت فروتنانه به صحنه آمده و با متانت خواهان احقاق حق خود است ، مشتی جیره خوار سفره ی "ولایت" و تعداد قلیلی نا آگاه که چشم بردست و دهان مراجع ستمگرشان دوخته اند ، این مردم شریف بجان آمده را " آشوبگر" و " اجیر" بیگانگان قلمداد می کند ! زهی بی شرمی و وقاحت ! که بجای گوشمالی جیره خواران نادان که خودسرانه مردم را به گلوله می بندند و چماق داران مجهز

به سلاح های سرد و گرم را که بیشرمانه زن و مرد و پیر و جوان را با چماق و چاقو و باطوم
درب و داغان می کنند؛ باز هم به مردم تحکم و دهن کجی می کنند !

در این شرائط برای مردم فقط یک راه بیشتر وجود ندارد و آن مقاومت و مقابله با
کودتائی است که پایه های اولیه اش از فردای انقلاب بهمن و با تحمیل اصل ولایت فقیه
ریخته شده و در این سی سال که قری بر مردم گذشته است ، تمام روزنه های باقیمانده را
بسته و می رود تا با تبدیل " جمهوری " اسلامی به حکومت اسلامی ، خلیفگان خویش بر
مردم بگمارد و از آنچه کرده است بدتر کند.

امروز ملت ما در مسیر یک آزمون تاریخی قرار دارد و باید بداند که کوتاه آمدن در
مقابل این غارتگران بی پرنسیپ که حتی اصول و فروع دین شان را هم بر سر قمار قدرت
باخته و فراموش کرده اند که همین مردم آنان را با فداکاری و از جان گذشتگی به قدرت
رسانیده اند ، فراخ کردن عرصه بر این حاکمان پرمدعاست ، پس باید چنان برخواسته
های مشروع و بر حقش پافشاری کند تا عده ی قلیلی هم که بخاطر نا آگاهی یا وعده های
" بهشتی " اینسان از خود بیخود شده اند که هموطنان خود را بغلط مستوجب هر بی احترامی
و اهانتی میدانند ، بر سر عقل آمده و دست از حمایت دجالان سمتگر بر دارند.

مردم شریف ایران، حق، گرفتنی است، هر ملتی که به سعادت رسیده است ابتدا به
حقوق انسانی خویش آگاه شده و سپس برای بدست آوردن حقوق حقه ی خود مبارزه کرده
و آنان را از آن خود کرده است، کمی تأمل کنید، اگر شما که سی سال است در برابر
زورگوئی های حکومت اسلامی، بردباری کرده اید و بارها و بارها حقوق حقه تان پایمال
شده، عزیزان و فرزندان تان در جبهه های جنگ قدرت اینان کشته شده، در زندان های
همین حکومت، پوسیده اند یا به حکم همین جباران اسلامی در جوخه ها تیرباران شده یا به
دارآویخته شده اند و دختران اسیرتان در آخرین لحظات زندگی، مورد تجاوز

ددمنشانه این جنایتکاران یا گماشتگان نادان و گوش بفرمانشان قرار گرفته اند ، دندان بر جگر فشرده و صدای حق طلبانه تان به گوش کر اینان نرسیده و دادرسی نیافته اید ، امروز هم در مقابل این تقلب تاریخی (که نا گفته پیداست که بارها تکرار شده است) ، سکوت کنید، باور کنید که هیچ آبی از آب تکان نخواهد خورد و حتی یک قطره عرق شرم هم بر صورت چپاول گران و مردم فریبانی چون علی خامنه ای ، احمدی نژاد ،رفسنجانی ، روحانی ، مصباح زاده ، حسینیان و و و ...نخواهد نشست، چرا که اینان می دانند که اگر لحظه ای پا را از رکاب دیکتاتوری زمین بگذارند و به خواست مردم تن در دهند، دیگر اجازه نخواهند یافت بر کرسی قدرت و اقتدار باد آورده شان ، تکیه بزنند ! پس هوشیار باشید و شرافت خود را ارزان نفروشید و بر وعده ، وعید های قدرتمداران، ساده دلانه اعتماد نکنید و بدانید که قدرت شما در گروهی اتحاد، تعاون و هماهنگی هوشیارانه ی شماست .

آری ، این حق فرد فرد شماست که در عین اعتقاد به هر مذهب وهر مکتب و ایدئولوژی و احترام به همه ی ادیان و مذاهب و مکاتب و ایدئولوژی ها ی موجودو معتقدان آن ها، مذهب و ایدئولوژی را از حکومت و دولت جدا بدانید ، چرا که تلفیق مذهب و حکومت نتیجه ای جز تباهی و فساد ندارد و بناچار به دیکتاتوری می انجامد و بدانید که قدرت، در کره ی زمین از آن مردم و جمهور مردم است و تا زمانی که تک تک شما به این حق طبیعی خود واقف نشوید، همین آتش است و همین کاسه ! پس، از قدرت دسته جمعی تان غافل نمانید و آگاه باشید که گرچه، راه رسیدن به آزادی و دموکراسی بسیار پر پیچ و خم و پر سنگلاخ است، اما چشیدن این " میوه "، ی شیرین ، بسی جانبخش و گواراست.

